

تربیت و تأمین معلم در ایران

(گذشته، حال و آینده)

معرفی مقاله:

نویسنده: احمد صافی

در جهان کنونی موضوع تربیت و تأمین معلمان دوره‌های مختلف تحصیلی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث جوامع توسعه یافته و در حال توسعه و علمای تعلیم و تربیت، برنامه‌ریزان و جامعه‌شناسان آموزش و پرورش است و به علت ارزش و اعتباری که برای معلم و تربیت وی قایل هستند، سرمایه‌گذاری در جهت تربیت و تأمین این رکن مهم تعلیم و تربیت را بهترین و سودمندترین نوع سرمایه‌گذاری می‌دانند و بر این باورند که معلمان، نقطه آغاز هر تحول آموزشی هستند و ایجاد عالمی نو جز با تربیت آدمی نو از طریق معلمان خلاق ممکن نخواهد بود. آموزش و پرورش کلید فتح آینده است و معلمان فاتحان عرصه علم و تمدن.

در ایران نیز مسأله تربیت و تأمین معلم از هر لحاظ مسأله‌ای اساسی است که بحث در باره آن بر سایر موضوعات و مسایل آموزش و پرورش تقدم و تفوق دارد. نویسنده مقاله، این موضوع مهم آموزش و پرورش ایران را از سه زاویه گذشته، حال و آینده تحت عناوین زیر مورد بحث و بررسی قرار داده است.

- اهمیت و ضرورت توجه به تربیت و تأمین معلم در جهان و ایران.

- سیر تاریخی و تکوینی تربیت معلم از ۱۲۹۷ شمسی تا ۱۳۸۱ (به اختصار).

- سیاست‌ها و روش‌های تأمین معلم در ایران از ۱۲۹۷ تا ۱۳۸۱.

- تحلیلی بر وضعیت گذشته و حال تربیت و تأمین معلم در ایران.
- تفکرات جدید در مورد تربیت و تأمین معلم در ایران.
- سیاست‌های تربیت و تأمین معلم در ایران و بهسازی کیفی آن.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اهمیت و ضرورت توجه به تربیت و تأمین معلم در جهان کنونی و ایران

امروزه نظام آموزش و پرورش بنا بر ضرورت تغییرات اجتماعی یکی از سازمان‌های پیچیده و بزرگ اجتماعی در هر کشور محسوب می‌شود. این سازمان که با رشد و توسعه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی پیوندی ناگسستنی دارد، به تدریج حالت ساده و ابتدایی خود را از دست داده و به حالتی پیچیده در آمده است.

عصر کنونی را عصری می‌دانند که در آن هدف از آموزش و پرورش تنها انتقال میراث فرهنگی و تجارب بشری به نسل جدید نیست بلکه رسالت آموزش و پرورش، ایجاد تغییرات مطلوب در نگرش‌ها، شناخت‌ها و در نهایت، رفتار انسان‌هاست.

در این عصر، معلمان بیش‌ترین نقش را در انتخاب و انتقال عناصر فرهنگی و دستاوردهای علمی و فنی و تجارب بشری به نسل نوظهور برعهده دارند. علاوه بر نقش‌های هدایتی، حمایتی و تقویتی، سازمان دادن به فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان و رشد هماهنگ ابعاد وجودی آنان نیز بر عهده معلمان است.

در جهان امروز، معلم شایسته، معلمی است که بداند:

- چرا آموزش می‌دهد؟

.. به چه کسی آموزش می‌دهد؟

- چه مطالبی را آموزش می‌دهد؟

- چگونه آموزش می‌دهد؟

- کجا آموزش می‌دهد؟

- با چه ابزار و روش‌هایی آموزش می‌دهد؟

- چگونه ارزش‌یابی می‌کند؟

معلمان معاصر هم‌چون نقاشان زبردست و پیکرتراشان هنرمند از تن و جان نوباوگان، پیکری دلپسند و تصویری دلپذیر ابداع می‌کنند (محیط طباطبایی؛ ۱۳۵۶).

زبان معلمان به گونه‌ای است که مغزهای نرم کودکان و دل‌های ساده نوباوگان را می‌شکافد و نهال اندیشه‌های سودمند را در آن‌ها می‌نشاند تا پس از رشد و نمو لازم،

هر نهالی درختی بارور و هر شاخه‌ای، شاخساری پرثمر شود و جامعه را از میوه‌های شیرین و گوارای رفتار و کردار و افکار نیک شادکام و بهره‌مند سازد.

امروز کارگزاران اصلی تعلیم و تربیت معلمان هستند؛ زیرا آنچه دانش‌آموزان کسب می‌کنند، از خصوصیات، کیفیات و شایستگی‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی معلمان متأثر است و تعامل مستمر و چهره به چهره معلم با دانش‌آموز، وی را در موقعیتی ممتاز و منحصر به فرد قرار می‌دهد که هیچ انسان دیگری از آن برخوردار نیست. پژوهش‌های گوناگون روان‌شناسی و جامعه‌شناسی نیز موید این امر است (مهر محمدی، محمود؛ ۱۳۸۰).

ژان پیازه درباره جایگاه معلم در نظام آموزش و پرورش در کتاب روان‌شناسی و دانش آموزش و پرورش که در سال ۱۳۷۰ به فارسی ترجمه شده است، می‌نویسد: "زیباترین اصلاح و بازسازی آموزش و پرورش، در صورتی که معلم به تعداد کافی و با کیفیت مطلوب در اختیار نباشد، با شکست روبه‌رو خواهد شد.

در کتاب جنبش جهانی برای بهسازی تربیت معلم نوشته علی رؤوف آمده است: "هیچ اصلاحی نمی‌تواند بدون همکاری و مشارکت فعال معلمان موفق شود؛ بنابراین؛ موقعیت اجتماعی، فرهنگی و مادی معلمان باید محور اولویت تلقی شود." "معلمان می‌توانند به نسل‌های کوچک‌تر طعم یادگیری را بچشانند و به آن‌ها نشان دهند که دانایی مستلزم تلاش، تمرکز، انضباط و اراده و تصمیم است."

"معلمان می‌خواهند به شأن و مقام آن‌ها احترام گذاشته شود. آن‌ها احتیاج دارند به آموزش‌های نو و مهارت‌های تازه دست یابند، موقعیت حرفه‌ای خود را بازیابند، به آنچه برای آموزش با استانداردهای بالا لازم است مجهز گردند و مسئولان با آن‌ها برخورد‌های منصفانه داشته باشند."

با توجه به آنچه گفته شد و با عنایت به رسالت و نقش معلمان در رشد ابعاد وجودی کودکان، نوجوانان و جوانان و تربیت نیروی انسانی هر جامعه، باید بگوییم که به یقین، با وجود معلمانی شایسته می‌توان چهره سازمان‌های آموزشی را دگرگون

ساخت و فضای مدارس را به فضایی صمیمی، بالنده و روح‌افزا تبدیل کرد. با ایجاد و گسترش مؤسسات تربیت معلم و ارایه برنامه‌های متنوع و مناسب می‌توان معلمانی تربیت کرد که مهارت‌های لازم را در ابعاد انسانی و ادراکی و فنی کسب کنند و بتوانند از هنر، علم و تجربه خود در تبدیل انسان‌های خام به انسان‌هایی خلاق، بالنده و متعادل بهره‌گیرند. لذا ضرورت دارد در هر کشوری طرح جامعی در زمینه جذب، انتخاب، تربیت، استخدام، بازآموزی، تکریم شخصیت و رفاه معلمان تهیه و اجرا گردد. مدیران عالی و میانی نیز باید باور داشته باشند که سرمایه‌گذاری در تربیت و تأمین معلمان بهترین و سودمندترین نوع سرمایه‌گذاری است.

با توجه به اهمیت موضوع، بر آنیم تا وضعیت تربیت و تأمین معلم در ایران را تحت عناوین زیر مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

- سیر تاریخی و تکوینی تربیت معلم از ۱۲۹۷ شمسی تا ۱۳۸۰ (به اختصار)
- سیاست‌ها و روش‌های تأمین معلم در ایران از ۱۲۹۷ تا ۱۳۸۰.
- تحلیلی بر وضعیت گذشته و حال تربیت و تأمین معلم در ایران.
- تفکرات جدید در مورد تربیت و تأمین معلم در ایران.
- سیاست‌های تربیت و تأمین معلم در ایران و بهسازی کیفی آن.

۱- سیر تاریخی و تکوینی تربیت معلم در ایران از ۱۲۹۷ شمسی تا ۱۳۸۰ (به اختصار)

این مبحث می‌تواند در دو زمینه زیر مطرح گردد.

الف: زمینه‌سازی برای تربیت معلم تا ۱۲۹۷ شمسی

سوابق مربوط به قبل از تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمات نشان می‌دهد که تا سال ۱۲۹۷ شمسی، معلمان مکتب خانه‌ها و مدارس ایران، در مراکز خاص تربیت معلم، تربیت نمی‌شده‌اند. آن‌ها معمولاً از میان طلاب ساعی و با استعدادی که در جلسه‌های استادان با سؤال و جواب لیاقت خود را نشان می‌دادند یا براساس تعلیقاتی که بر کتاب‌های موجود می‌افزودند و یا رساله‌های علمی که می‌نوشتند، انتخاب می‌شدند.

از آن‌جا که استادان در جریان پیش‌رفت شاگردان خود بودند و با آنان ارتباط نزدیکی داشتند، اجازه‌نامه‌ای به شاگردان اعطا می‌کردند که در واقع، دانش‌نامه یا گواهی‌نامه معلمی بود. این گواهی‌نامه را استاد به خط خود می‌نوشت و در آن در باره موقعیت علمی و نفسانی متعلم جدید به تفصیل توضیح می‌داد.

در آن زمان، مکتب‌داری حرفه‌ای خصوصی بود و تنها افراد با حوصله و علاقه‌مند به این شغل به آن می‌پرداختند. تا زمان تصویب قانون اساسی معارف، در سال ۱۲۹۰ و مصوبات شورای عالی معارف مجوز خاصی برای این امر لازم نبود. بعضی از معلمان مکتب نیز دوره مقدماتی و در مواردی سطح را در حوزه‌های علمیه می‌گذراندند و به کار مکتب‌داری می‌پرداختند. (صافی، احمد؛ ۱۳۷۲).

با تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۲۸ شمسی و شکل‌گیری وزارت علوم در ۱۲۳۲ شمسی و ایجاد مدارس جدید در شهرهای ارومیه، تبریز، اصفهان و تهران ساختار جدیدی برای آموزش و پرورش تعیین شد و به تدریج، دولت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آموزش و پرورش رسمی را بر عهده گرفت.

بر این اساس، در ماده ۱۵ قانون اساسی معارف، مصوب ۱۲۹۰ شمسی، چهار درجه برای تحصیل معین شد که شامل دبستان دهکده، دبستان شهر، دبیرستان و مدارس عالی بود.

در سال‌های بعد دوره‌های تحصیلی ایران تا پایان متوسطه به شرح زیر تصویب شد.

- دوره ابتدایی، ۶ سال

- دوره اول متوسطه، ۳ سال

- دوره دوم متوسطه، ۳ سال

بنابراین، با وضع مواردی از متمم قانون اساسی مشروطیت ناظر بر امور آموزش و پرورش کشور و تصویب قانون اساسی معارف، قانون اداری وزارت معارف و قانون اعزام دانشجویان به خارج از کشور تا سال ۱۲۹۰ شمسی موجب شد که دوره‌های مختلف تحصیلی در مدارس به تدریج تأسیس و گسترش یابد و نیاز به معلم برای تدریس در آن‌ها به خوبی احساس گردد.

گزارش مدیر کل وزارت معارف و فوائد عامه در سال ۱۲۹۰ شمسی مؤید این امر

است:

”تربیت اطفال مبتدی از اعمال مشکله است که باید به عهده

اشخاص متخصص تفویض شود و مسلماً اگر شخصی از اصول تعلیم

و تربیت بهره‌مند نشده باشد، نمی‌تواند علم خود را به اطفال بیش‌تری

بیاموزد، هر قدر هم که در آن علم به خصوص، متبحر باشد” سالنامه

معارف، اوقات و صنایع مستظرفه، ۲۹-۱۳۲۸ قمری“. تشکیل کلاس

خاص برای تدریس اصول تعلیم و به منظور افزایش سطح سواد

معلمان در دبیرستان دارالفنون در اوایل سال ۱۲۹۰ شمسی را اولین

اقدامی می‌دانند که در زمینه تربیت معلم صورت گرفته و اصول اولیه

تربیت اطفال در این کلاس مطرح شده است” سلسله سخنرانی‌های

عیسی صدیق اعلم، در تالار دارالفنون“.

در سال ۱۲۹۰ شمسی، برای اولین بار مجوز اعزام ۳۰ نفر جهت ادامه تحصیل به خارج از کشور صادر شد. از این تعداد، هشت نفر به منظور تحصیل در علوم و فنون نظامی، هفت نفر در رشته مهندسی و ۱۵ نفر برای معلمی در رشته تعلیم و تربیت انتخاب شدند.

ب: تأسیس مراکز تربیت معلم در سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۸۱

مراکز تربیت معلم که طی ۸۴ سال در اشکال مختلف در ایران تأسیس شدند، در بعضی موارد گسترش یافته یا محدود گردیده و در مواردی نیز تعطیل شده‌اند.

اشکال تربیت معلم عبارت‌اند از:

۱- تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمات

یکی از اقدامات مهمی که در راه تربیت و تأمین معلمان مدارس ابتدایی، متوسطه در سال ۱۲۹۷ شمسی صورت گرفت، تأسیس نخستین مرکز تربیت معلم به نام دارالمعلمین بود که ریاست آن را ابوالحسن فروغی و معاونت آن را اسماعیل مرات بر عهده داشتند.

دارالمعلمین مرکزی دارای دو شعبه ابتدایی و عالی بود که هر کدام یک هیأت اداری داشتند. این مرکز دارای نظام‌نامه‌ای مشتمل بر ۳۲ ماده بوده است، که در آن شرایط پذیرش داوطلبان شغل معلمی، رشته تحصیلی، برنامه‌های درسی، سازمانی و تشکیلات اداری، مقررات انضباطی، اداری و امتحانی، نوع مدرک تحصیلی، میزان بودجه و کیفیت هزینه آن و بالاخره شورای آموزشی مرکز مورد بحث قرار گرفته است.

در ماده یک این نظام‌نامه آمده است:

”دارالمعلمین مرکزی مدرسه‌ای است دولتی و مجانی در تحت

اداره وزارت معارف که برای تعلیمات ابتداییه و حد معینی از

تعلیمات متوسطه، تربیت معلم می‌کند و به این نظر منقسم به دو شعبه

می‌باشد. یکی شعبه ابتدایی و دیگر شعبه عالی.“

همزمان با تربیت معلمان مرد، تربیت معلمان زن نیز مورد توجه قرار گرفت و دارالمعلمات به وجود آمد.

از شرایط تحصیلی در شعبه ابتدایی، داشتن گواهی‌نامه شش ساله ابتدایی بود و مدت تحصیل برای شعبه ابتدایی سه سال و برای شعبه عالی چهار سال تعیین شد.

۲- دارالمعلمین اکابر

به منظور افزایش سطح دانش معلمان و ایجاد مهارت در فن تدریس، شورای عالی معارف در سال ۱۳۰۶ شمسی، اساس‌نامه دارالمعلمین شبانه اکابر را تصویب کرد.

۳- دارالمعلمین ابتدایی ولایات و ایالات

طبق مصوبه سال ۱۳۰۶، به شورای عالی معارف در ایالات و ولایات ایران مجوز تأسیس دارالمعلمین ابتدایی داده شد. شرط ورود به این دارالمعلمین داشتن مدرک دوره اول متوسطه و مدت تحصیل در آن یک سال بود.

۴- دارالمعلمین عالی

به منظور گسترش دبیرستان‌ها و تربیت و تأمین دبیران مورد نیاز، شورای عالی معارف مجوز تأسیس دارالمعلمین عالی را در سال ۱۳۰۸ شمسی اعلام کرد. مدت تحصیل در این مرکز سه سال تعیین شده بود.

۵- اعزام محصل به خارج از کشور و تحصیل در رشته معلمی

به منظور تأمین نیروی انسانی در رشته‌های علمی، فنی و علوم تربیتی، قانون اعزام محصل به خارج از کشور در سال ۱۳۰۷ شمسی تصویب گردید. بر اساس این قانون، ۳۵ درصد از دانشجویان اعزامی می‌بایست در رشته معلمی تحصیل کنند.

۶- تأسیس دانش‌سراهای مقدماتی و عالی و تصویب قانون تربیت معلم در

سال ۱۳۱۲

از قوانین مهمی که برای تربیت و تأمین معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه در ایران وضع شده است، قانون تربیت معلم است که در اسفند ۱۳۱۲ به تصویب رسید و به موجب آن، دولت مکلف شد دانش‌سراهای مقدماتی و عالی را تأسیس و توسعه بخشد.

بر اساس مفاد قانون یادشده، به تدریج دانش‌سراهای مقدماتی پسرانه و دخترانه در مراکز استان‌ها و شهرهای ایران به وجود آمدند. تربیت بیش‌ترین و بهترین معلمان برای تدریس در مدارس ابتدایی از این طریق صورت می‌گرفت. با تأسیس و گسترش دانش‌سراهای مقدماتی، دارالمعلمین و دارالمعلمات تعطیل شدند و امور تربیت معلم ابتدایی و متوسطه به دانش‌سراهای مقدماتی و عالی محول گردید.

مدت تحصیل در دانش‌سراهای مقدماتی دو سال و دانش‌سراهای عالی سه سال اعلام شد و به فارغ‌التحصیلان دانش‌سراهای مقدماتی دیپلم دانش‌سرا اعطا گردید که از نظر استخدامی معادل دیپلم کامل متوسطه بود.

طبق مفاد این قانون، محل تحصیل در دوره ابتدایی، دبستان و مدرس آن آموزگار و محل تحصیل در دوره متوسطه دبیرستان و هنرستان و مدرس آن‌ها، دبیر و هنرآموز و محل تحصیل در دوره عالی، دانشگاه و مدرس آن را استاد نام نهادند.

۷- اشکال دیگر مراکز تربیت معلم و مربی و دبیر از ۱۳۱۲ تا ۱۳۸۱

گرچه بیش‌ترین معلمان و دبیران ایران از طریق دانش‌سراهای مقدماتی و عالی تربیت و تأمین شدند ولی طبق اساس‌نامه‌های مصوب، مراکز و دوره‌های دیگری به وجود آمدند که به دلیل محدودیت صفحات مقاله فقط به ذکر نام آن‌ها بسنده می‌کنیم.

- دانش‌سرای تربیت بدنی در سال ۱۳۲۷
- دانش‌سرای کشاورزی در سال ۱۳۲۸
- تشکیل کلاس‌های کمک آموزشی در سال ۱۳۲۲
- تربیت معلم دو ساله روستایی در سال ۱۳۳۲
- دانش‌سرای عشایری در سال ۱۳۳۴
- مراکز تربیت معلم یک ساله در سال ۱۳۳۸
- دوره تربیت معلم حرفه‌ای پسران و دختران در سال ۱۳۴۱
- تشکیل دوره‌های آموزشی برای سپاه دانش در سال ۱۳۴۲
- تأسیس آموزشگاه تربیت معلم روستایی در دزفول در سال ۱۳۴۳

- تأسیس مرکز تربیت معلم دینی در سال ۱۳۴۵
- تأسیس مرکز تربیت معلم پیشوا
- تأسیس دانش‌سراهای راهنمایی تحصیلی در سال ۱۳۴۸
- تأسیس مراکز تربیت معلم کودکان استثنایی در سال ۱۳۴۷
- تأسیس مراکز تربیت معلم دو ساله فنی و حرفه‌ای
- تأسیس دانش‌سرای هنر
- تأسیس انستیتو مربیان هنری
- تأسیس مراکز تربیت مربی کودک در سال ۱۳۵۱
- تأسیس مرکز تربیت معلم معمولان^۱ لرستان در سال ۱۳۵۵
- تأسیس مؤسسه تربیت معلم و تحقیقات تربیتی در سال ۱۳۴۳
- تأسیس دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۵۳
- تأسیس دانش‌سرای عالی سپاه دانش در سال ۱۳۴۳
- تأسیس دانش‌سرای عالی صنعتی در سال ۱۳۴۳
- تأسیس مراکز تربیت معلم از طریق دانشکده‌های علوم تربیتی دانشگاهها
- تأسیس مراکز تربیت معلم از طریق مدارس عالی کشور
- تأسیس دانش‌سرای تربیت معلم چهار ساله
- تأسیس دانش‌سراهای تربیت معلم سه ساله در سال ۱۳۷۶.

۲- سیاست‌ها و روش‌های تأمین معلم از ۱۲۹۷ تا ۱۳۸۱

با توجه به مطالب مطرح شده در مورد انواع و اشکال مراکز تربیت معلم، معلمان مورد نیاز مدارس در شهرها و روستاهای ایران تا سال ۱۳۸۱ از راه‌های متعدد و متنوعی به شرح زیر تأمین شده است.

۱- بخشی از بخش‌های استان لرستان می‌باشد.

- ۱- استخدام معلمان با مدرک تحصیلی ششم ابتدایی و گذراندن دوره کارآموزی معلمی.
- ۲- استخدام با مدرک تحصیلی سوم متوسطه و گذراندن دوره کارآموزی معلمی.
- ۳- استخدام فارغ التحصیلان دانش سراها و مراکز تربیت معلم عادی، فنی و حرفه‌ای.
- ۴- استخدام فارغ التحصیلان دانش سرای عالی و دانشگاههای تربیت معلم.
- ۵- استخدام فارغ التحصیلان دانشکده‌های علوم تربیتی و تربیت دبیر دانشگاههای متعهد خدمت دبیری.
- ۶- استخدام معلمان ابتدایی از میان سپاهیان دانش.
- ۷- استخدام فارغ التحصیلان آزاد دانشگاههای مختلف کشور، مانند دانشگاه تهران، پیام نور، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه الزهراء، و ... از طریق مسابقه استخدامی و گذراندن دوره کارآموزی آموزگاری یا دبیری.
- ۸- استخدام معلمان ابتدایی از میان آموزشیاران نهضت سواد آموزی.
- ۹- استخدام معلمان پیمانی و حق التدریس با گذراندن دوره‌های کارآموزی لازم.
- ۱۰- فراهم کردن شرایط ادامه تحصیل معلمان پایه‌های مختلف تحصیلی از طریق مأموریت تحصیلی یا گذراندن دوره‌های شبانه و تابستانی در مراکز عالی ضمن خدمت فرهنگیان در دانشگاههای مختلف کشور و استفاده از آنان در دوره‌های تحصیلی بالاتر.
- ۱۱- استفاده از دبیران شاغل، دانش‌جویان دانشگاهها، شاغلین سازمان‌های اداری وزارت آموزش و پرورش برای تدریس در دوره‌های مختلف تحصیلی به صورت حق التدریس.
- ۱۲- استفاده از معلمان موظف به تدریس در یک نوبت، برای تدریس در نوبت بعد.
- ۱۳- به کارگیری سرباز معلم در سطح دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس.
- ۱۴- استخدام فارغ التحصیلان دانشگاه، شهید رجایی (دو ساله و چهار ساله متعهدین دبیری).

۱۵- انتقال داوطلبان تدریس در دوره‌های بالاتر تحصیلی به منظور تدریس دروس مختلف این دوره‌ها.

۱۶- استفاده از دانشجویان و افرادی که در مناطق شهری یا روستایی ایران برای تدریس بعضی از دروس موقتاً به وجود آنان نیاز است.

۱۷- جابه‌جایی معلمان از طریق انتقال آنان به مناطق مختلف کشور.

۳- تحلیلی بر وضعیت گذشته و حال تربیت و تأمین معلم در ایران

مطالعه روند توجه به معلم و تربیت وی، ایجاد و گسترش مراکز تربیت معلم از تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۲۸ شمسی (۱۵۴ سال پیش) تاکنون نشانگر نکات مهمی است که می‌تواند الهام‌بخش برنامه‌ریزان کنونی آموزش و پرورش ایران و مدیران عالی و میانی وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فن‌آوری و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور باشد و در ترسیم چشم‌انداز آینده تربیت و تأمین معلمان ایران مفید و مؤثر واقع شود. در این قسمت، بعضی از این موارد را مورد بحث قرار می‌دهیم و با الهام از برنامه سوم توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳) به چشم‌انداز آینده تربیت معلم در ایران اشاره می‌کنیم.

در فاصله سال‌های ۱۲۲۸ شمسی تا ۱۳۸۱، برنامه تربیت و تأمین معلم برای مدارس آموزش و پرورش شش دوره زیر را طی کرده است.

۱- دوره مطالعات و گسترش فرهنگ استفاده از معلمان خارجی سپس معلمان ایرانی و تشکیل کلاس‌های خاص برای بازآموزی معلمان مکتب خانه‌ها و مدارس از ۱۲۲۸ تا ۱۲۹۷.

۲- دوره تأسیس مراکز تربیت معلم به صورت‌های مختلف، تصویب قوانین و مقررات خاص آموزشی، اداری، مالی و برنامه‌های درسی از ۱۲۹۷ شمسی تا ۱۳۴۶ (سال تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی در ایران).

۳- دوره گسترش مراکز تربیت معلم توسط وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۸.

۴- دوره توقف بعضی از مراکز تربیت معلم از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۳.

۵- دوره بازنگری و توسعه مراکز تربیت معلم و تصویب قوانین مربوط مانند قانون معتمدین خدمت در وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۰.

۶- دوره کاهش توسعه مراکز تربیت معلم و دبیر، محدود شدن ردیف‌های استخدامی و گسترش اندیشه تأمین معلم از راه‌های مختلف از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۱.

دوره اول - گسترش فرهنگ استفاده از معلمان خارجی و ایرانی:

- در آغاز تأسیس و گسترش مراکز آموزشی عمده در ایران، از معلمان خارجی، فارغ‌التحصیلان دارالفنون، مکتب‌داران، مکتب‌خانه‌ها و داوطلبان تدریس پس از گذراندن دوره‌های خاص برای تدریس در مکاتب و مدارس و مراکز مهم آموزشی استفاده شده است.

دوره دوم - تأسیس مراکز تربیت معلم:

با تصویب قوانین و مقررات آموزشی و تأکید مقامات آموزش و پرورش وقت، مراکز تربیت معلم و تربیت دبیر گسترش یافته و تأمین معلمان مورد نیاز وزارت معارف، وزارت فرهنگ و وزارت آموزش و پرورش بیش‌تر از طریق فارغ‌التحصیلان دانش‌سرای مقدماتی، دانش‌سرای عالی و ... صورت گرفته است. به گونه‌ای که تا سال ۱۳۵۸ با مراکز تربیت معلم با نام‌های مختلف از دارالمعلمین و دارالمعلمات تا دانش‌سرای معمولان لرستان مواجه می‌شویم و شاهد تأسیس انواع مراکز تربیت معلم با ساختارهای متفاوت از یک ساله تا چهار ساله هستیم. به ویژه آن که این مراکز به تناسب نیاز دانش‌آموزان شهری، روستایی، عشایری و دروس مختلف از ابتدایی تا دوره متوسطه تأسیس شده و گسترش یافته‌اند.

دوره سوم - گسترش مراکز تربیت معلم:

به علت رشد زیاد جمعیت در ایران و وضع قوانین تعلیمات عمومی و اجباری و در نتیجه استقبال گروه‌های سنی مختلف از تحصیل در مدارس شهر و روستا و عشایری نیاز به معلم در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۷۰ افزایش یافته و تأمین معلم از راه‌های مختلف، به ویژه مراکز تربیت معلم انجام پذیرفته است.

دوره چهارم - توقف بعضی از مراکز تربیت معلم:

از مفاد آمار مربوط به سرشماری سال ۱۳۷۵ و وضعیت جمعیت در ایران و آمار تفصیلی سالانه وزارت آموزش و پرورش چنین بر می‌آید که:
- روند رشد جمعیت در سال کاهش یافته است.
- روند رشد دانش‌آموز نیز در سال‌های اخیر، به ویژه در دوره ابتدایی کاهش یافته است.

- این کاهش تا پایان برنامه سوم توسعه در مقاطع راهنمایی و متوسطه نیز قابل ملاحظه است.

- طبق بعضی برآوردها، این روند تا پایان سال ۱۴۰۰، ادامه دارد. بنا بر دیدگاه‌های جمعیت‌شناسان، به دلیل افزایش مجدد روند رشد جمعیت، روند کاهش دانش‌آموز تا پایان سال یاد شده تغییر خواهد کرد و مجدداً جمعیت ایران و در نتیجه جمعیت دانش‌آموزی دوره‌های مختلف تحصیلی، افزایش خواهد یافت.

- به دلیل تفاوت دیدگاهها در مورد روند رشد جمعیت در ایران و روند رشد یا کاهش گروه‌های سنی دوره‌های مختلف تحصیلی، در مورد نیروی انسانی جدید مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش بین مقامات سازمانی مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و مقامات آموزش و پرورش تفاوت نظر پدید آمده است و مصوبات مختلف و گاه ناهمگون از طرف مراجع ذی‌ربط اعلام می‌گردد. این امر سردرگمی و نابسامانی در برنامه‌ریزی نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش را به دنبال دارد و سبب آن می‌شود

که وزارت آموزش و پرورش در امر برنامه‌ریزی نیروی انسانی و ورودی به این سیستم بزرگ مستند عمل نکند و سیاستی مدون نداشته باشد.

دوره پنجم - بازنگری و توسعه مراکز تربیت معلم و تصویب قوانین مربوط:

در فاصله سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۰ در تأسیس و گسترش مراکز تربیت معلم یا محدود کردن این مراکز سیاست‌های گوناگون و گاه متفاوتی دیده می‌شود. در آغاز، دانش‌سراهای مقدماتی و مراکز تربیت معلم دو ساله (دانش‌سراهای راهنمایی) محدود و حتی در شهرهای کوچک ایران تعطیل می‌شوند و در عین حال، توسعه این مراکز فقط در مراکز استان‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد. و در فاصله سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۰ سیاست گسترش مراکز تربیت معلم مجدداً تعقیب می‌شود و معلمان مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی بیش‌تر از میزان فارغ‌التحصیلان مراکز تربیت معلم تأمین می‌گردند.

دوره ششم - کاهش توسعه مراکز تربیت معلم و دبیر و گسترش اندیشه تأمین معلم از راه‌های مختلف

الف) در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ مجدداً از تعداد مراکز تربیت معلم و تعداد دانشجویان آن‌ها کاسته می‌شود؛ به گونه‌ای که در سال‌های اخیر نامی از مراکز تربیت معلم روستایی، عشایری و ... نمی‌بینیم. فعالیت مراکز تربیت معلم فنی و حرفه‌ای نیز متوقف شده و تعداد دانشجویان متعهد دبیری مراکز تربیت معلم دو ساله و تربیت دبیر دانشگاه‌ها به حداقل خود رسیده است.

ب) با اجرای نظام جدید متوسطه و توسعه مراکز فنی و حرفه‌ای و کاردانش، تربیت و تأمین کارکنان فنی و حرفه‌ای از جمله اولویت‌های آموزش و پرورش بوده است ولی مدارک و مستندات لازم دیده نمی‌شود که چرا فعالیت مراکز تربیت فنی و حرفه‌ای به

تدریج متوقف شده و پذیرش دانشجو در این مراکز به صفر رسیده است و مراکز عالی فنی و حرفه‌ای آزاد توسعه یافته‌اند.

پ) به رغم تعطیلی تدریجی مراکز تربیت معلم روستایی، در این دهه فکر تأسیس مراکز تربیت معلم سه ساله برای تأمین معلم در مناطق محروم مطرح شده ولی پس از سه تا چهار سال فعالیت، این مراکز تأمین نیرو رو به تعطیل در حرکتند.

ت) دانشگاه تربیت معلم ایران که مهم‌ترین مرکز تربیت و تأمین دبیران مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش بوده است، در دهه ۸۰-۱۳۷۰ در اهداف و سیاست‌های خود تجدید نظر کرده و منابع انسانی و مادی خود را در جهت تربیت و تأمین دبیران مورد نیاز آموزش و پرورش قرار نداده است. در این دانشگاه که در گذشته مهم‌ترین مرکز تربیت دبیر در ایران بوده است، هم اکنون نزدیک به ۳ درصد دانشجویان در رشته دبیری تحصیل می‌کنند. به همین دلیل، اندیشه تغییر نام دانشگاه نیز قوت گرفته است. دانشگاه‌های دیگر تربیت معلم در تبریز، اراک، کاشان، یزد، سبزوار و سیستان و بلوچستان که در گذشته بخشی از دانشگاه تربیت معلم تهران بوده و یا فعالیت مستقل داشته‌اند، از اهداف زمان تأسیس خود دور شده‌اند و هم اکنون قسمتی از دانشگاه منطقه محسوب می‌گردند. این مراکز، خود را وابسته به دانشگاه تربیت معلم تهران نمی‌دانند و شمار دانشجویان متعهد دبیری آن‌ها نیز به حداقل رسیده است.

ث) دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی در این دهه توسعه یافته و در سال ۱۳۸۱ علاوه بر تربیت دبیر فنی و حرفه‌ای، به تربیت دبیران در رشته‌های دیگر نیز اقدام کرده است.

این دانشگاه در سازمان مرکزی وزارت آموزش و پرورش به عنوان یک سازمان وابسته معرفی شده و درصدی از نیاز به دبیر به ویژه دبیران فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش را برطرف می‌کند.

ج) تأمین معلمان و دبیران آموزش و پرورش در دهه ۸۰-۱۳۷۰ از راه‌های متعدد صورت گرفته است. یکی از این راهها اجرای طرح سرباز معلم بوده است.

وزارت آموزش و پرورش در اواخر سال ۱۳۸۰ شرایط و نحوه به کارگیری سرباز معلم در آموزش و پرورش را به شرح زیر اعلام کرد:

”وزارت آموزش و پرورش به منظور تأمین بخشی از نیروی انسانی از بین مشمولان واجد شرایط و دارای مدرک تحصیلی دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس، سرباز معلم جذب می‌کند. متقاضیان باید دفترچه آماده به خدمت بدون مهر غیبت داشته باشند، افراد واجد شرایط جهت ثبت نام به اداره کل آموزش و پرورش استان محل اخذ دفترچه، مراجعه نمایند. مهلت ثبت نام تا تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۰ می‌باشد.“

دقت در مفاد درخواست وزارت آموزش و پرورش مؤید این مطلب است که این وزارتخانه تصمیم دارد قسمتی از نیازهای نیروی انسانی خود در سطوح دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس را از این طریق برطرف کند و آموزش دانش‌آموزان روستایی و شهری را در دوره‌های مختلف تحصیلی بر عهده این افراد بگذارد.

بدیهی است که این روش به شکلی که هم‌اکنون انجام می‌گیرد، نمی‌تواند به بهسازی کیفی فرایند آموزش و پرورش در ایران کمک کند.

چ) وزارت آموزش و پرورش در دهه ۱۳۷۰-۱۳۸۰ درصد قابل توجهی از معلمان مورد نیاز خود در دوره ابتدایی را از طریق طرح استخدام رسمی آموزشیاران نهضت سواد آموزی تأمین کرده است و دلیل این امر را وجود قانون مصوب مجلس در این زمینه می‌داند.

این روش برای ایجاد انگیزه در گرایش به حضور در کلاس‌های سوادآموزی و تقویت طرح آموزشیاران مفید بوده است ولی تأمین معلمان دوره حساس و مهم ابتدایی از این طریق قابل تأمل است و مسلماً طرح تأمین معلمان ابتدایی شهر و روستا از میان فارغ‌التحصیلان رشته آموزش ابتدایی بهتر و منطقی‌تر به نظر می‌رسد، زیرا سطح

تحصیلات معلمان ابتدایی بالاتر است و مواد درسی دوره دو ساله، آنان را برای ایفای این نقش بهتر آماده می‌کند.

ح) طبق مصوبه وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری قرار بر این بوده است که فارغ‌التحصیلان لیسانس و بالاتر دانشگاهها پس از شرکت در امتحان استخدامی وزارت آموزش و پرورش در دوره یک ساله به استخدام درآیند. این مصوبه نیز تا کنون اجرا نشده است و همه ساله تعدادی از داوطلبان با گذراندن دوره‌ای کوتاه به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمده‌اند.

این امر هم نشان می‌دهد که مطالعه همه جانبه در مورد اجرای این برنامه صورت نگرفته و وزارت آموزش و پرورش در عمل نتوانسته است این مصوبه را اجرا کند.

خ) طرح‌های تأمین معلم از راه‌های زیر سال‌ها در وزارت آموزش و پرورش اجرا شده است.

- استخدام معلمان موقت تمام وقت وزارت آموزش و پرورش

- خدمت در نوبت دوم توسط کادر شاغل نوبت اول

- پرداخت حق‌التدریس به داوطلبان.

بدیهی است این گونه روش‌ها نمی‌تواند به بهسازی کیفی آموزش و پرورش کمک کنند. البته استفاده از آن‌ها در موارد اضطراری توجیه دارد.

د) طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱ اکثر مراکز تربیت معلم موجود از نظر ضوابط تأسیس و نیروی انسانی، مورد تأیید وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری قرار گرفته‌اند و تربیت معلمان مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش برای دوره‌های ابتدایی و راهنمایی عملاً از این طریق تأیید شده است.

در تشکیلات جدید وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۸۰، برای اولین بار نام دفتر یا اداره کل تربیت معلم که مدت نیم قرن برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری و هدایت و نظارت بر فعالیت مراکز تربیت معلم را بر عهده داشته است، به دفتر ارتقای

علمی منابع انسانی تغییر یافته است و البته استناد لازم برای تغییر این نام با توجه به بار معنوی، سابقه تاریخی و منابع جهانی آن دیده نمی‌شود.

در مورد گسترش دوره آمادگی در وزارت آموزش و پرورش و اداره این دوره با بودجه دولت، بین مقامات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و مقامات وزارت آموزش و پرورش و کارشناسان این دوره اختلاف نظر وجود دارد. به رغم تأکید صاحب‌نظران طرح تغییر نظام آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۷ بر ضرورت گسترش این دوره در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰، از حدود ۱۷۰۰/۰۰۰ کودک پنج ساله، تعداد ۳۲۹۰۶۲ نوآموز در ۹۵۸۱ آموزشگاه تحت تربیت قرار گرفته‌اند مطالعه سیر تاریخی ایسن دوره نشان می‌دهد که در ساختار آموزشی مصوب ۱۳۴۴، دوره کودکستان پیش‌بینی شده و اساسنامه تأسیس این دوره در سال ۱۳۴۹ به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسیده است. برای تأمین مربیان این دوره نیز مرکز تربیت مربی کودک به وجود آمده و در بعضی از دانشگاه‌های کشور، رشته آموزش و پرورش پیش‌دبستانی دایر شده است.

به رغم دلایل علمی و پژوهشی مبتنی بر اثربخشی دوره پیش‌دبستانی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی و هم‌چنین، مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی و تأکید متخصصان تعلیم و تربیت، هنوز سیاست مدون و روشنی در این زمینه وجود ندارد و حتی بعضی از افرادی که قبلاً برای فعالیت در این دوره تربیت شده‌اند، در دوره ابتدایی تدریس می‌کنند. مراکز تربیت مربیان این دوره نیز در وزارت آموزش و پرورش تعطیل شده است.

ذ) در دهه ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ طبق مطالعات و پیشنهادهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، هیأت دولت شاخص‌هایی را در مورد حد نصاب دانش‌آموزان در دوره‌های مختلف تحصیلی در شهر و روستا و نحوه برآورد نیروی انسانی مورد نیاز هر دوره تحصیلی تصویب و برای اجرا به وزارت آموزش و پرورش ابلاغ کرد. ایسن امر موجب شده است که کلاس‌های کم‌جمعیت دانش‌آموزی در شهر و روستا جای خود را

به کلاس‌هایی با حد نصاب مقرر دهد و در نتیجه، روند رشد نیروی انسانی مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش کاهش یابد.

شاخص‌های مصوب مبتنی بر پژوهش‌های لازم، مطالعات تطبیقی و ویژگی‌های هر درس و هر دوره و شرایط واقعی پراکندگی مدارس در شهر و روستا نیست و مورد قبول کارشناسان و بعضی از مقامات مسؤول وزارت آموزش و پرورش نیز نمی‌باشد. این امر در برنامه‌ریزی و برآورد نیروی انسانی مورد نیاز این وزارت‌خانه مشکلاتی پدید آورده و در محدود شدن مراکز تربیت معلم و کاهش ردیف‌های استخدامی نیز مؤثر بوده است.

ر) از موارد دیگری که در کاهش شمار دانشجویان مراکز تربیت معلم و تربیت دبیر در دهه ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ مؤثر بوده است، تقویت تفکر استخدام فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مختلف پس از گذراندن دوره خاص معلمی است.

هم‌اکنون نزدیک به ۱/۶۰۰/۰۰۰ دانشجو در دانشگاه‌های دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی و مراکز آموزش عالی تحصیل می‌کنند. تعداد قابل توجهی از این دانشجویان که در سطوح کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و حتی دکترا فارغ‌التحصیل می‌شوند، به اشتغال در دوره‌های تحصیلی وزارت آموزش و پرورش علاقه‌مندند. به همین دلیل، برنامه‌ریزان آموزشی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور این تفکر را تقویت می‌کنند که به جای توسعه مراکز تربیت معلم و اجرای قانون متعهدین خدمت، بهتر است وزارت آموزش و پرورش نیروی انسانی مورد نیاز خود را همه ساله از طریق برگزاری مسابقات استخدامی با شرکت فارغ‌التحصیلان داوطلب دانشگاه‌ها تأمین کند. لازم است این افراد نیز از دو راه برای تدریس در مراکز آموزشی آمده شوند:

- ۱- گذراندن دوره‌های کوتاه مدت آموزش با برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش.
- ۲- گذراندن دوره یک ساله تربیت دبیر که برنامه آن به تصویب وزارت علوم،

تحقیقات و فن‌آوری رسیده است. دلایل طرف‌داران این فکر عبارت است از:

- ۱- شمار فارغ‌التحصیلان دانشگاهها افزایش یافته است و دولت به ناچار باید برای اشتغال آنان در سازمان‌های مختلف از جمله وزارت آموزش و پرورش اقدام کند.
- ۲- اجرای قانون متعهدین دبیری ضرورتی ندارد و دولت مجبور نیست هزینه تحصیلی متعهدین دبیری را پرداخت کند یا بودجه‌ای برای تأمین هزینه‌های شبانه‌روزی دانشجویان اختصاص دهد.
- ۳- افرادی که از طریق مسابقه استخدامی و با گذراندن دوره معلمی به خدمت وزارت آموزش و پرورش در می‌آیند، از نظر توان تدریس و ایفای نقش‌های معلمی با فارغ‌التحصیلان مراکز تربیت معلم و دبیر تفاوت قابل ملاحظه‌ای ندارند و حتی می‌توان افراد مناسب‌تری را برای خدمت در این وزارتخانه انتخاب کرد.
- ۴- ضرورت استفاده از دارندگان مدارک تحصیلی لیسانس و بالاتر برای تدریس در دوره‌های تحصیلی حتی دوره ابتدایی و در نتیجه، کاهش نیاز وزارت آموزش و پرورش به معلمان دیپلم و فوق دیپلم.
- از مجموعه آمار مربوط به مراکز تربیت معلم و دیدگاهها و طرح‌های مختلف چنین برمی‌آید که وزارت آموزش و پرورش به نیروی انسانی جدید نیاز دارد. این دلایل مستعدند؛ از جمله:
- ۱- سالیانه به طور متوسط نزدیک به ۴۰/۰۰۰ نفر از افراد با تجربه که معمولاً حدود ۳۰ سال خدمت کرده‌اند، برابر مقررات بازنشسته می‌شوند. به این ترتیب، شمار شاغلین وزارت آموزش و پرورش کاهش می‌یابد.
- ۲- وجود طرح سرباز معلم و اجرای آن در دوره‌های مختلف تحصیلی نیز مؤید نیاز این وزارتخانه به نیروی انسانی جدید است.
- ۳- استفاده از نیروی حق‌التدریس به طور گسترده در دوره‌های راهنمایی و متوسطه مؤید این نیاز است.
- ۴- استفاده از نیروی انسانی شاغل در نوبت صبح، در نوبت‌های عصر و یا شب نیز نیاز این وزارتخانه را به نیروی انسانی تأیید می‌کند.

۵- آگهی استخدام سالانه این وزارتخانه و پذیرش تعدادی از فارغ‌التحصیلان دیپلم و لیسانس آزاد کشور نیز مؤید این ضرورت است.

۶- توزیع نامتناسب معلمان ایران در شهر و روستا، مدارس دخترانه و پسرانه و دوره‌های مختلف تحصیلی نیز دلیل دیگری بر نیاز وزارت آموزش و پرورش در بعضی از مناطق کشور به نیروی انسانی جدید است.

۷- درصد قابل توجهی از معلمان تدریس دروسی را بر عهده دارند که در آنها تخصص لازم را ندارند و در رشته مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش تحصیل نکرده‌اند ولی در این وزارتخانه شاغل‌اند.

۸- ضرورت برخورداری گروه‌های سنی ۵ و ۶ ساله، ۱۰-۶ ساله، ۱۱-۱۳ ساله و ۱۴-۱۷ ساله از آموزش و پرورش پیش دبستانی، عمومی و متوسط به موجب قوانین مصوب (هم‌اکنون درصد قابل ملاحظه‌ای از کودکان و نوجوانان در دوره متوسطه، راهنمایی و حتی ابتدایی در مدرسه حضور ندارند).

بنابراین، فراهم کردن امکانات ادامه تحصیل گروه یاد شده، اجرای قوانین تعلیمات عمومی و اجباری، تقسیم کار بر اساس تخصص و تمام وقت کردن معلمان موجود، نیاز این وزارتخانه را به نیروی انسانی جدید و واجد شرایط تأیید می‌کند.

آخرین تفکرات و دیدگاهها در ۳ سند معتبر در مورد تربیت و تأمین معلم در وزارت آموزش و پرورش

۱- وضعیت تربیت و تأمین معلم در طرح تغییر نظام آموزش و پرورش ایران مصوب ۱۳۶۷.

۲- وضعیت تربیت و تأمین معلم در برنامه توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران ۸۳-۱۳۷۹.

۳- لوایح جدید تربیت و تأمین نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش.

۱- وضعیت تربیت و تأمین معلم در طرح تغییر نظام آموزش و پرورش مصوب سال ۱۳۶۷

- در طرح تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش مصوب سال ۱۳۶۷ در قسمت اصول آموزش و پرورش اصول، ۳۵، ۳۶، ۳۷ و ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، به ترتیب، تأمین و ارتقای علمی و حرفه‌ای و تکریم شخصیت معلمان اختصاص یافته و در اصل سی وهفتم آمده است:

”معلم باید همانند سایر کارکنان به صورت تمام وقت در مدرسه حاضر باشد و تنها به شغل معلمی اشتغال داشته باشد. ساعات موظف تدریس معلمان باید با توجه به سطح دوره، نوع درس، تعدد دانش‌آموزان کلاس‌ها و نیز سایر مسؤولیت‌های اداری، آموزشی و پرورشی آنان تعیین شود.

در اصل چهل و یکم نیز آمده است:

”ایجاد مراکز تربیت معلم و توسعه و امکانات آن‌ها به تناسب دوره‌های آموزشی و فعالیت‌های پرورشی، باید از اولویت برخوردار باشد.“

در اصل چهل و دوم در مورد تربیت مستمر کارکنان مطرح شده است که:

”در نظام آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت مستمر کارکنان - خاصه معلمان - مورد توجه و تأکید خواهد بود و باید تسهیلات لازم برای آن فراهم گردد.“

از مفاد اصول یاد شده در زمینه تربیت، تأمین و ارتقای علمی و حرفه‌ای در طرح تغییر نظام آموزش و پرورش چنین استفاده می‌شود که در نظام آموزش و پرورش ایران باید به انتخاب معلم شایسته، تکریم شخصیت وی، تربیت مستمر، فراهم کردن زمینه ارتقا و رفاه و بالاخره تمام وقت کردن معلمان توجه کرد.

بدیهی است که تحقق اصول یاد شده، مستلزم گسترش مراکز تربیت معلم و تهیه طرح‌های مختلف در جهت جذب، تربیت، استخدام، ارتقا، نگه‌داری، رفاه و تکریم شخصیت وی است و امر تمام وقت‌کردن معلمان در مدارس، شمار بیش‌تر معلمان را برای هر یک از دوره‌های تحصیلی می‌طلبد.

۲- تربیت و تأمین معلم در برنامه سوم توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در سال ۱۳۸۳-۱۳۷۹

در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در قسمت آموزش و پرورش عمومی در مورد ارتقای کیفیت آموزش و پرورش آمده است:

سیاست راهبردی آموزش و پرورش در برنامه سوم عبارت است از:

”ارتقای کیفیت آموزش و پرورش در زمینه کسب علم، کاربرد علوم و فنون و پرورش اخلاقی و اعتقادی دانش‌آموزان.“

راه‌کارهای اجرایی در زمینه تربیت، تأمین و ارتقای علمی معلمان عبارت است از:

۱- تأکید بر استفاده از معلمان هر رشته در درس مرتبط، کاهش تراکم دانش‌آموز در کلاس، بهبود و توسعه تجهیزات و امکانات آموزشی و کمک آموزشی، تثبیت مدیریت و ... استفاده از معلمان با تجربه در امر مشاوره.

۲- تأکید بر نقش معلم در ارتقای کیفیت آموزش و پرورش از طریق به کارگیری معلمان کارآمد و خلاق، ارتقای مقام و منزلت معلم در جامعه با ایجاد انگیزه کافی برای خدمت و تأمین معیشت آنان.

۳- تأکید بر استفاده از روش‌های مناسب در افزایش میزان بهره‌وری نیروی انسانی شاغل در آموزش و پرورش با توجه خاص به ارتقای کارکردی معلمان و تهیه و به کارگیری قانونمند رسانه‌های آموزشی.

۴- ایجاد تعادل و توازن در امتیازات معلمان شاغل و دارندگان مدارک هم سطح در کلیه دوره‌های تحصیلی، بر اساس ساعات موظف و ویژگی‌های هر دوره.

۵- ارتقای معلمان واجد شرایط دارای مدرک دیپلم و کاردانی به ویژه در دوره ابتدایی (حداقل یک مقطع تحصیلی).

- ۶- ارتقای تا ۲۰ درصد از کارکنان دارای مدرک کارشناسی به کارشناسی ارشد.
- ۷- اعمال سیاست‌های تشویقی برای معلمان و مربیان پذیرفته شده در دورهٔ دکترا.
- ۸- تأکید بر بازنگری محتوای برنامه‌های آموزشی رشته‌های تربیت معلم و ایجاد دورهٔ تربیت معلم چند رشته‌ای.
- ۹- تعیین نرخ حق‌التدریس معلمان به عنوان ضریبی از حقوق فوق‌العاده برای ایجاد انگیزه و افزایش ضریب به کارگیری نیروهای موجود.
- از سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی مربوط به ترتیب و تأمین معلم در برنامهٔ سوم توسعه چنین برمی‌آید که کاهش تراکم دانش‌آموز در کلاس، استفاده از معلمان هر رشته در دروس مرتبط، استفاده از معلمان با تجربه در امر مشاوره، ارتقای معلمان دیپلم به فوق دیپلم، فوق دیپلم به لیسانس و لیسانس به فوق لیسانس، ایجاد دورهٔ تربیت معلم چند رشته‌ای، استفاده از روش‌های مناسب برای افزایش میزان بهره‌وری نیروی انسانی و ... ایجاب می‌کند که به انتخاب، تربیت و به کارگیری معلمان و ارتقای علمی آنان در طول برنامه توجه شود.

۴- تفکرات جدید در مورد تربیت و تأمین معلم در ایران در قالب لوایح جدید تربیت و تأمین نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش

در فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۸۱ دو لایحه تحت عناوین زیر توسط وزارت آموزش و پرورش برای تقدیم به مجلس شورای اسلامی به هیأت دولست تقدیم شده است.

۱- لایحه تأمین نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش.

این لایحه در ۱۴ ماده و ۴ تبصره تهیه شده است و نکات مهم و مورد توجه آن عبارت‌اند از:

- تأمین و تربیت نیروی انسانی مناطق مختلف کشور از میان داوطلبان بومی

- تأمین معلم از راههای زیر:

الف) جذب فارغ‌التحصیلان دوره‌های کاردانی، کارشناسی و بالاتر مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور.

ب) فارغ‌التحصیلان دانشگاههای غیر دبیری پس از گذراندن دوره ویژه مهارت‌های تعلیم و تربیت.

- تأمین نیروی انسانی مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش بر اساس شاخص‌های مصوب شورای عالی آموزش و پرورش.

- ارتقای علمی و حرفه‌ای نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش از طریق گذراندن دوره‌های ضمن خدمت بلند مدت و کوتاه مدت به صورت حضوری، غیرحضوری، پودمانی با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

- اختصاص دادن سهمیه ویژه به دانشگاهها برای تسامین هیأت علمی و مدرسان دانشگاهها و مراکز عالی وابسته به وزارت آموزش و پرورش در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا.

- ایجاد مرکز سنجش صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان در وزارت آموزش و پرورش به منظور تعیین نیازها و صلاحیت‌های حرفه‌ای مشاغل آموزشی و پرورشی.

- اخذ تعهد برای خدمت دبیری از دانشجویان مراکز تربیت معلم در بدو تحصیل و دانشجویان رشته‌های دبیری در آخرین سال تحصیل و فارغ‌التحصیلان آزاد دانشگاهها در آغاز دوره ویژه مهارت‌های تعلیم و تربیت.

- تعیین ضوابط برای متعهدان دبیری در خلال تحصیل و بعد از آن.

۲- لایحه نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش

این لایحه نیز در ۲۶ ماده و ۱۵ تبصره تهیه و تقدیم هیأت دولت شده است.

مهم‌ترین نکات این لایحه عبارتند از:

- ۱- تعریف واژه‌های مطرح شده در لایحه
- ۲- نیروی انسانی مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش باید واجد صلاحیت‌های عمومی و شرایط اختصاصی باشد.
- ۳- تأمین نیروی انسانی مورد نیاز مناطق کشور از میان داوطلبان بومی در اولویت است.
- ۴- جذب نیروی انسانی مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش بر اساس شاخص‌های مصوب شورای عالی آموزش و پرورش صوت می‌گیرد.
- ۵- استخدام نیروی انسانی مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش به مدت پنج سال به طور موقت انجام می‌شود که حداقل ۳ سال آن به صورت پیمانی خواهد بود.
- ۶- اشتغال افراد استخدام شده در وزارت آموزش و پرورش فقط برای کار در منطقه استخدامی معتبر است و افراد استخدام شده در مناطق دیگر در صورت استخدام مجدد به کار اشتغال می‌یابند.
- ۷- حداقل مدرک تحصیلی برای استخدام در شغل معلمی لیسانس تعیین می‌شود.
- ۸- به منظور افزایش انگیزه و جذب افراد واجد شرایط به چرخه معلمی، داوطلبان در یک گروه استخدامی بالاتر نسبت به کارکنان دولت استخدام می‌شوند.
- ۹- دوره‌های بازآموزی و تحصیلی برای معلمان به صورت‌های پیوسته، ناپیوسته و پودمانی در مراکز تربیت معلم و دانشگاهها برگزار می‌شود و گذراندن دوره‌های مختلف برای معلمان رسمی دارای سابقه خدمت کم‌تر از ۱۵ سال الزامی است.
- ۱۰- حداقل ۲۰ درصد ظرفیت دانشگاهها در دوره‌های تحصیلی کارشناسی ارشد و دکترا به رشته‌های مورد نیاز آموزش و پرورش اختصاص یابد.
- ۱۱- وزارت آموزش و پرورش موظف است بر اساس ضوابط و معیارهای استاندارد، هر پنج سال یک بار معلمان را مورد ارزیابی قرار دهد و به افراد واجد شرایط، گواهی صلاحیت حرفه‌ای اعطاء کند. تدریس معلمان در کلیه دوره‌ها منوط به داشتن گواهی مذکور است.

- ۱۲- معلمان طبق کسب صلاحیت‌های مختلف در چهار رتبه علمی طبقه‌بندی می‌شوند و معلمان رتبه چهار، نشان درجه سه آموزش (دولتی) را دریافت می‌کنند.
- ۱۳- حقوق و مزایای معلمان با کسب هر رتبه، حداقل به میزان ۴۰ درصد نسبت به رتبه قبلی افزایش می‌یابد. حقوق کارکنان آموزش و پرورش ۲۰ درصد بیش‌تر از کارکنان دولت در قانون نظام هماهنگ حقوق خواهد بود.
- ۱۴- از دانشجویان مراکز تربیت معلم دبیر دانشگاهها و فارغ‌التحصیلان آزاد دانشگاهها پس از موفقیت در دوره ویژه مهارت‌های تعلیم و تربیت تعهد خدمت دریافت می‌شود.
- ۱۵- تعیین ضوابط برای متعهدان دبیری در خلال تحصیل و بعد از آن. دقت‌نظر در مفاد لوایح یاد شده و مقایسه آن با مفاد قوانین مصوب تربیت معلم، به ویژه قانون متعهدان خدمت وزارت آموزش و پرورش، نشان می‌دهد که برخی از مواد لوایح تکرار شده‌اند و به طرح آنها نیازی نبوده است. حتی با تصویب این دو لایحه برخی از امتیازهای قانونی اعطا شده به دانشجویان مراکز تربیت معلم و تربیت دبیر لغو می‌گردد؛ از جمله برخورداری از همه حقوق و مزایا از ابتدای تعهد دبیری همانند شاغلین. در مواردی نیز پیشنهادهای مندرج در لوایح تازگی دارند و در صورت تصویب می‌توانند در نظام جذب، استخدام، نگهداری، ارتقا و بازآموزی معلمان مؤثر باشند؛ مانند:
- برآورد نیروی انسانی مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش بر اساس شاخص‌های مصوب شورای عالی آموزش و پرورش.
 - انتخاب داوطلبان معلمی از میان داوطلبان بومی مناطق کشور.
 - در نظر گرفتن حداقل مدرک تحصیلی لیسانس برای استخدام در شغل معلمی.
 - استخدام معلمان با یک گروه استخدامی بالاتر از سایر کارکنان دولت.
 - قرارگرفتن معلمان بر اساس صلاحیت‌های مختلف در چهار رتبه علمی.

- پرداخت حقوق به کارکنان آموزش و پرورش به میزان ۲۰ درصد بیش‌تر از کارکنان دولت.

در مواردی نیز بعضی از مفاد لوایح پیشنهادی آرمان‌گونه به نظر می‌رسد و به لحاظ نظام اداری و استخدامی کشور عملی نیست؛ مانند استخدام موقت (به مدت پنج سال که حداقل ۳ سال آن پیمانی باشد).

۵- سیاست‌های پیشنهادی برای تربیت و تأمین معلم در ایران و بهسازی کیفی آن

با توجه به مطالب مطرح شده در مورد روند تربیت و تأمین معلم در گذشته و وضعیت کنونی و مفاد لوایح پیشنهادی و طرح‌های تغییر نظام آموزش و پرورش، لازم است سیاست‌های زیر در مورد آینده تربیت و تأمین معلم و بهسازی کیفی آن مورد توجه قرار گیرد.

۱- تغییر نگرش نسبت به معلم و راههای تربیت و تأمین آن در جامعه و در همه رده‌های مدیریتی.

قبول این نکته که تغییر یا اصلاح نظام آموزش و پرورش و حل بسیاری از مسایل آموزش و پرورش ایسران در گرو جذب، تربیت و تأمین معلمان شایسته است و سرمایه‌گذاری در این راه، مناسب‌ترین و ثمر بخش‌ترین سرمایه‌گذاری می‌باشد.

وجود این نگرش در مدیران عالی کشور موجب تخصیص اعتبارات بیش‌تر و تصویب طرح‌های مختلف مربوط به تربیت معلمان خواهد بود.

۲- تقویت این باور که معلمی امری فنی و تخصصی است. هرگاه همه، به ویژه مسئولان برنامه‌ریزی کشور، باور کنند که معلمی هم‌چون پزشکی و داروسازی و ... امری فنی و تخصصی است و بدون کسب صلاحیت‌های لازم نمی‌توان در مدارس معلمی کرد، به مراکز تربیت معلم و تربیت دبیر اهمیت می‌دهند و تأمین معلم از این طریق مهم‌ترین سیاست برنامه‌ریزان کشور و وزارت آموزش و پرورش خواهد بود.

۳- تأمین معلم و مدرس با مدارک تحصیلی لیسانس، فوق لیسانس و دکترا با توجه به توسعه علوم، از جمله علوم تربیتی و روان‌شناسی و استفاده از معلمان دارای درجه تحصیلی لیسانس در دوره ابتدایی و راهنمایی تحصیلی و فوق لیسانس و دکترا در دوره متوسطه، پیش‌دانشگاهی، مراکز تربیت معلم و ضمن خدمت فرهنگیان ضرورت دارد. این امر در شورای هماهنگی برنامه‌های تربیت معلم تصویب گردیده و در لوایح پیشنهادی نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

۴- ضرورت بهره‌گیری از ساختارهای مختلف تربیت معلم:

با گسترش تعلیمات عمومی هشت ساله و دوره متوسطه در شهر و روستا و تنوع رشته‌های تحصیلی و بنا بر دلایل گفته شده در این مقاله، وزارت آموزش و پرورش به معلمان جدید و واجد شرایط نیاز دارد. برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز مناطق محروم و روستاها لازم است علاوه بر مراکز تربیت دبیر (لیسانس و بالاتر) کماکان مراکز تربیت معلم دو ساله به صورت شبانه‌روزی به کار خود ادامه دهند و نیروی انسانی مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش با همکاری وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری در سطح کاردانی (مناطق محروم)، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته‌های مختلف تربیت گردد. برای تحقق بخشیدن به این امر می‌توان از روش‌های حضوری و نیمه حضوری، پودمانی و... نیز استفاده کرد. ارتقای علمی معلمان شاغل وزارت آموزش و پرورش نیز در گرو توجه به تنوع ساختار عمودی و افقی مراکز تربیت معلم است.

۵- بازآموزی اجباری معلمان شاغل: نظر به پیشرفت علوم و نیاز معلمان به

دانش‌افزایی بیشتر، لازم است دوره‌های بازآموزی برای همه کارکنان آموزش و پرورش پیش‌بینی گردد. به گونه‌ای که حداقل هر سه سال یک بار هر یک از کارکنان این وزارتخانه، اطلاعات جدیدتری به دست آورند و با یافته‌های جدید علمی و تربیتی آشنا گردند.

۶- تمام وقت کردن معلمان دوره‌های مختلف تحصیلی: طبق مفاد طرح تغییر نظام آموزش و پرورش ایران و نظر به ضرورت بهسازی فرایند تعلیم و تربیت کودکان، نوجوانان لازم است معلمان دوره‌های مختلف تحصیلی به صورت تمام وقت ۳۶ ساعت در هفته فعالیت کنند تا بتوانند ابعاد جسمانی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و فکری آنان را رشد دهند و فرصت لازم برای تهیه طرح درسی، بررسی تکالیف دانش‌آموزان، ارتباط با خانواده‌ها و شرکت در شوراهای مدرسه و دوره‌های آموزشی را داشته باشند. این پیشنهاد در بسیاری از نظام‌های آموزش و پرورش جهان مورد توجه قرار گرفته و در صورتی که در ایران به اجرا در آید، معلمان وقت بیش‌تری را در مدرسه به تعلیم و تربیت دانش‌آموزان اختصاص خواهند داد.

۷- تصویب قوانین و مقررات مناسب در جهت جذب، استخدام، نگهداری، رفاه و ارتقای معلمان.

۸- مشارکت دادن معلمان در انجام پروژه‌های تحقیقاتی و تقویت این باور که هر معلم می‌تواند یک محقق باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع:

- ۱- پیاز، ژان؛ روان‌شناسی و دانش آموزش و پرورش، ترجمه علی‌محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۷۰
- ۲- رؤوف، علی؛ بررسی جنبش جهانی برای بهسازی تربیت معلم، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش، سال ۱۳۷۸. ص ۴۷۴
- ۳- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، آموزش و پرورش عمومی در برنامه سوم توسعه، سال ۱۳۷۹.
- ۴- صاف، احمد؛ سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران، انتشارات سمت، سال ۱۳۸۰.
- ۵- صافی، احمد؛ سیمای معلم، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان وزارت آموزش و پرورش، سال ۱۳۷۸.
- ۶- صافی، احمد؛ تربیت معلم در ایران، هند و پاکستان، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۴.
- ۷- کاردان، علی‌محمد؛ روان‌شناسی و دانش آموزش و پرورش، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰
- ۸- مهرمحمدی، محمود؛ نگاهی به شیوه اصلاح و نوع اصلاحات ضروری در تربیت معلم، فصل‌نامه تعلیم و تربیت، شماره ۳۱، سال ۱۳۷۱.
- ۹- ملکی، حسن؛ صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان انتشارات مدرسه، سال ۱۳۷۸.
- ۱۰- طباطبایی، محیط؛ وظیفه معلم در عصر معلم و عصر کودک، ۱۳۵۶. ماهنامه آموزش و پرورش.
- ۱۱- وزارت آموزش و پرورش؛ آمار آموزش و پرورش سال تحصیلی ۱۳۸۰-۸۱ دفتر فن‌آوری اطلاعات.
- ۱۲- وزارت آموزش و پرورش، طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۶۷.
- ۱۳- وزارت آموزش و پرورش؛ لوایح پیشنهادی نیروی انسانی، سال ۱۳۸۱.
- ۱۴- وزارت آموزش و پرورش ویژه‌نامه معلم، سال ۱۳۷۶ ستاد مرکزی بزرگداشت مقام معلم.
- ۱۵- نفیسی، عبدالحسین؛ هشت سال تلاش، وزارت آموزش و پرورش. سال ۱۳۷۶.



پروفیسر شہزادہ گلشن علی شاہ
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ